

حکمتیست ۱۸۳

۳۰ اکتبر ۲۰۱۷ - ۶ آبان ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

برای آزادی محمود صالحی اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طبق اخبار رسیده امروز ساعت ۱۲ ظهر محمود صالحی از فعالین برجسته جنبش کارگری ایران مقابل بیمارستان توسط مامورین امنیتی بازداشت و به زندان مرکزی شهر سقر منتقل شد.

دستگیری و زندانی کردن محمود صالحی با توجه وضعیت جسمی وخیم وی با هر بهانه و توجیه پوچ و بیشرمانه ای چیزی جز اعلام رسمی تصمیم جمهوری اسلامی در به قتل رساندن وی ندارد. حتی خرفت ترین و دون مایه ترین مقامات جمهوری اسلامی بخوبی به این امر واقفند که وضعیت سلامتی محمود صالحی چنان وخیم است که تحمل زندان را نخواهد کرد. سران جمهوری اسلامی مسئول مستقیم زندگی و سلامت محمود صالحی هستند.

رفقای کارگر! بیش از این سکوت در مقابل تعرض به زندگی فعالین تان جایز نیست. نباید اجازه دهیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از فعالین و شخصیتهای جنبش ما را به کام مرگ بکشد. باید نشان دهیم در صورت کم شدن تار موئی از سر محمود صالحی دنیا را بر سرهمگی شان خراب خواهیم کرد. باید جمهوری اسلامی را از کرده خود پشیمان کرد. این کمترین وظیفه ما در قبال یکی از عزیزترین رفقای هم طبقه ای مان است. آستین ها را بالا بزنید!

حزب حکمتیست (خط رسمی) همه کارگران و مردم آزادیخواه را به اعتراض و تلاش برای آزادی فوری محمود صالحی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ - ۶ آبان ۱۳۹۶

شورای امنیت! نافی حق ملل، ناظر جنگ و داور صلح مظفر محمدی



نظامی حشد شعبی جمهوری اسلامی به رهبری قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ارتش قومی-مذهبی عراق به کردستان سکوت کردند. ←

رفراندوم کردستان عراق با مخالفت شورای امنیت سازمان ملل، دول امپریالیست و دولتهای مرتجع منطقه روبرو شد. یک اجماع جهانی شرم آور دول بورژوازی علیه رای برحق اکثریت بیش از ۹۰ درصد مردم کردستان!

رویدادهای سیاسی هفته فواد عبداللهی



۱- آتش سوزی در پالایشگاه تهران
بعد از ظهر جمعه ۵ آبان در پی آتش سوزی در یکی از واحدهای پالایشگاه نفت تهران، تعدادی از کارکنان و تکنسین های این واحد جان خود را از دست دادند. علت آتش سوزی، فرسودگی و نشتی مواد آتش زا در یکی از مخازن اعلام شده است. سال گذشته هم ۳۴ حادثه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی رخ داد و در جریان آنها چندین نفر از کارگران نفت کشته و مصدوم و یا دچار سوختگی شدید شدند.

اگر این وضع مراکز کلیدی مهم صنعتی ایران است دیگر حساب بقیه صنایع روشن است. تفاوتی نمیکند شاغل کدام بخش باشید؛ ناامنی در محیط کار، شتری است که دم در کل طبقه کارگر ایران خوابیده است؛ به این اعتبار، سرنوشت کارگران نفت جدا از سرنوشت روزمره طبقه کارگر در قصابخانه های موسوم به محیط کار در ایران نیست. بانیان قتل عام کارکنان نفت و صدها و هزاران کارگر در گوشه گوشه ایران و جهان، سرمایه داران و دولتهایشان هستند. مفت خوران و استثمارگرانی که از قبل کار طبقه ما زندگی میکنند و جلال و جبروت شان انعکاس وارونه قدرت طبقه ماست. جمهوری اسلامی، بورژوازی ایران و کل نهادها و زیر مجموعه های این طبقه به اعتبار کار طبقه کارگر ایران و ثروتی که تولید کرده ایم "عالیجناب" و کسی شده اند.

پنهان نمی کنند که سرمایه و سودشان در گرو مایه گذاشتن از جان و زندگی طبقه ماست و هنوز هم راضی نیستند. هنوز در فکر ارزان تر کردن نیروی کار، هزینه تولید و هرس کردن استانداردها و جنبه های ایمنی در محیط کار اند. این شرایط ناامن را در کنار ادعاها و شعارهای توخالی جمهوری اسلامی در مورد "حفظ جان و امنیت مردم" قرار دهید؛ این اوضاع وخیم طبقه کارگر را در کنار عریده های کارشناسان و روشنفکران ناسیونالیست بگذارید که ایران را در مقایسه با سوریه و عراق و لیبی، "جزیره ثبات و آرامش" قلمداد می کنند و ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

شورای امنیت ...

حملاتی که به تصرف کرکوک و شهرهایی که تا کنون مشترکا توسط دولت مرکزی و اقلیم کردستان اداره می شد، انجامید. حشد شعبی با سلاح های امریکایی پیشمرگان و مردمی را که می خواستند از خانه و زندگی خود دفاع کنند، کشتند، هزاران خانواده را آواره کردند، خانه هایشان را سوزاندند و زنان و مردان کرد زبان را مورد تهدید و تجاوز و تحقیر قرار داده و می دهند.

دول امپریالیستی، دول مرتجع منطقه و در راس آن شورای امنیت سازمان ملل این آتش بیاران معرکه خاورمیانه، شرکای جرم در ایجاد سناریوی سیاه قومی و مذهبی کردن جامعه عراق، طرفداری از ادامه وضع موجود، مخالفت با فراندوم مردم کردستان و تایید تعلیق خواست مردم، اکنون همه صلح طلب شده و خواستار حل مساله به شیوه مسالمت

آمیز اند. جنایتکاران جنگی که هر وقت لازم شد، در یونیفورم نظامی برای کشتار آماده می شوند و فردا لباس صلح بر تن کرده و خواستار مسالمت می شوند و بر مزار کشته شدگان اشک تمساح می ریزند.

مردم کردستان عراق بار دیگر شاهد این واقعیت اند که شورای امنیت سازمان ملل، امریکا و متحدین اروپاییش و دول مرتجع منطقه از جمله ایران و ترکیه دشمنان حق مسلم آنها و امنیت این منطقه اند. بار دیگر ثابت شد که تنها مبارزه و مقاومت مردم می تواند حقوق و آزادی و امنیت شان را تامین و تضمین و این حق را بر دشمنان رنگارنگ تحمیل کند.

شورای امنیت سازمان ملل در حالی صلح طلب شده ک تلاش جمهوری اسلامی برای دو شقه کردن کردستان و همکاری جناح طالبانی با حشد شعبی و قاسم سلیمانی که لکه ننگ جدیدی بر

پیشانی این دشمنان مردم در لباس ناسیونالیسم و "کردایه تی" است و تداوم حملات نظامی حشد شعبی به سنگرهای پیشمرگان و مناطقی که قبلا جزو دولت اقلیم کردستان بوده... ادامه دارد.

تا کنون این شورا و دول محترم دمکراسی غرب، جنایات حشد شعبی و دولت بغداد را محکوم نکرده و خواهان خاتمه دادن به تجاوزات دولت عراق و میلشیای قاسم سلیمانی به شهرها و مناطق کردستان نشده اند.

اولین بار نیست ما شاهد ریاکاری و دورویی بیشرمانه شورای امنیت سازمان ملل هستیم. این مجمع دول امپریالیستی و ارتجاع جهانی و مرکز تلاقی منافع و تناقضات این دولت ها، زمانی آتش بیار معرکه، امضا کننده تحریم مردم یک کشور است و زمانی برای قربانیان خود هر جا لازم شد، اشک تمساح می ریزد.

مخالفت شورای امنیت سازمان ملل با فراندوم و رای مردم کردستان به استقلال، تنها نقاب صلح طلبی از چهره این مجمع بر هم زندگان امنیت جوامع بشری، بر می دارد. اما در عرف و سنت و حقوق ابتدایی بشر، هیچ قدرتی ولو ابر قدرت هم نمی تواند رای اکثریت ۹۰ درصد مردم کردستان را باطل کند. این رای به استقلال در تاریخ ثبت شده و تحقق آن دور نیست.

اینکه امروز بخشی از نیروهای ناسیونالیست کرد تحت فشار نظامی و اجماع بین المللی علیه مردم کردستان و خطر تجزیه کردستان توسط دشمنان داخلی، این رای را به تعلیق در آورده اند، ذره ای از این واقعیت کم نمی کند.

مردم کردستان عراق برای عقب نشاندن اشغالگران حشد شعبی جمهوری اسلامی و نظامیان دولت مرکزی از کردستان، به بیشترین اتحاد و تصمیم و

عزم دفاع از رای خود و دفاع از زندگی و امنیت و کرامت انسانی شان نیاز دارند. جناح طالبانی همکار حشد شعبی باید به شدت رسوا و منزوی شود. نیروهای شرافتمند درون اتحادیه میهنی و نیروی پیشمرگ آن باید راه خود را از این مزدوران جمهوری اسلامی جدا کنند. باید از تجزیه کردستان طبق نقشه قاسم سلیمانی جلوگیری شده و اتحاد صفوف مردم حفظ و تحکیم گردد.

تنها در چنین اتحاد و انسجام و مقاومت یکپارچه است که تهاجم نیروهای دشمن مهار و به عقب رانده و آنها را سر میز مذاکره خواهد کشاند. پیروزی در عرصه اتحاد و یکپارچگی صفوف مردم کردستان و مقاومت در جبهه ها، دشمن را از طمع اشغال بیشتر مناطق کردستان پشیمان و به روی آوردن به مصالحه تسلیم خواهد کرد!

دفاع از "تمامیت ارضی" عراق و "یکپارچگی" آن، دفاع از حفظ باطلاقی انشقاق قومی و دفاع از منجلابی است که برای ارتجاع بین المللی و منطقه ای سوده های سیاسی و اقتصادی سرشاری دارد! منجلابی، که در آن احزاب و سازمانها و باندها و دستجات در قدرت، چه در عراق و چه در اقلیم کردستان، هر روز با استفاده از مصائب مردم محروم این جغرافیا، پشت به یکی از نیروهای ارتجاع بین المللی و محلی، وسیله و ابزار تسویه حساب های نیروهای خارج از عراق هستند.

مصایب مردم کردستان عراق، که عمری دستمایه سوء استفاده و باند بازی و معامله و بده بستان احزاب ناسیونالیست دیروز در اپوزیسیون و امروز حاکم بود، قرار است دهه ها و دهه های دیگری همچنان دستمایه رقابت ها و تقابل های دولت های منطقه ای، ایران و ترکیه و عربستان بماند! این تمام محتوای "حفظ تمامیت ارضی" عراق و دفاع از "یکپارچگی" آن است. از پیش معلوم بود که سازمان ملل و بورژوازی غرب، با ریختن اشک تمساح به حال مردم محروم در کردستان عراق، بدنبال احقاق حق آنها، و پایان دادن به شکاف و زخم تاریخی بین مردم عراق و کردستان آن نیست!

مرکز بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

رویدادهای سیاسی ...

جامعه را از تغییر و دگرگونی می ترسانند؛ برای ناامن کردن جامعه حتما لازم نیست جنگ جهانی بپا شود، ایران سوریه و عراق شود، بمبارانی صورت بگیرد و منطقه ای با خاک یکسان شود. بلکه همیشه یک جنگ و جنایت اعلام نشده ای در متن جامعه سرمایه داری در محیط های ناامن کاری در جریان بوده است که قربانیانش کمتر از دو جنگ جهانی نبوده اند؛ قربانیان این جنگ، کاملاً طبقه ای اند؛ حال این جنایت طبقه ای علیه کارگران را کنار بحران سیاسی، بحران بیکاری میلیونی، مسئله زن، بحران زندانیان سیاسی، بحران عدم پرداخت دستمزد کارگران، بحران اعتیاد و امنیت، بحران نسل جوان بی آینده، بحران روانی و عدم آسایش و رفاه اکثریت مردم قرار دهید، آنوقت جای خالی یک تودهنی تمام عیار به این نظم و نظام را مشاهده می کنید؛ جای خالی نیرویی که شهروند ایرانی در کنار آن احساس امنیتی سالم کند و بتواند رفاه و آزادی را تجربه کند، محسوس است. برای تغییر اساسی این اوضاع، برای سازماندهی یک انقلاب عظیم کارگری، راهی نیست جز اینکه طبقه

کارگر و کمونیست های این طبقه متشکل و متحزب شوند و بعنوان پرچمداران رهایی جامعه آستین ها را بالا زنند.

۲- "امنیتی حیا کن؛ دانشگاهو رها کن"

این شعار دانشجویان دانشگاه تهران است که شنبه، ششم آبان ماه تجمعی اعتراضی علیه سیاست های "دولت تدبیر و امید" برپا کردند. تجمع های مشابهی نیز در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه خواجه نصیر برپا شد. اعتراض به پولی شدن دانشگاه ها، اخذ شهریه های بالا، و همچنین نسبت به فضای امنیتی دانشگاه ها بود. تعرض سیاسی رژیم به دانشجویان در سراسر ایران، بار دیگر می رود که با مقاومتی سراسری از طرف جوانان و دانشجویان، روبرو شود. التهاب مقاومت، فضای دانشگاه های ایران را فراگرفته است.

دانشجویان میتوانند کنترل دانشگاه ها و محیط های آموزشی خود را خود بدست گیرند و باندها و نهادهای دولتی را ایزوله کنند. برای اینکار باید خط فاصله خود را با دولت و همه جناح های جمهوری اسلامی روشن کرد. نباید اجازه داد خشم و

اعتراض برحق علیه جمهوری اسلامی پشت جبهه کمپین های "دولت تدبیر و امید" برود. این دولت در اولین تعرض به دانشگاه ها در انقلاب فرهنگی شوم سی و نه سال پیش، در سازمان دادن جامعه ای که در آن شهروندانش از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم اند، شریک است. در فقدان آزادی عقیده و بیان و ستم بر زن و محرومیت کارگر از حق اعتصاب و تشکل، شریک است. در پس شعار "بازگشایی فضای دانشگاه ها" ی روحانی، جارو کردن استبداد و زن ستیزی و قانون اساسی و وزارت اطلاعات، نخواهیده است! در پس شعارهای روحانی، حمله به معیشت مردم محروم و ادامه تعرض به همه آزادی ها خواهیده است؛ دانشجویان باید پرده این فریبکاری را کنار زنند و واقعیات پشت بساط "مارگیری" این دولت را به همگان نشان دهند.

مسئله دانشجویان جابجایی دولت ها نیست؛ مهره های قهر کرده حکومت با مهره های حاکم نیست. دانشگاه، فقیر و ثروتمند، استبداد و جمهوری اسلامی برنمی دارد، جدایی دختر و پسر و اسلامی کردن علوم طبیعی و فقهی کردن علوم و اراجیفی از این دست برنمی دارد. دانشگاه آپارتاید جنسی

برنمی دارد. فضای باز آموزشی، رایگان کردن آموزش برای همه، جدایی آموزش از مذهب، کمترین خواست جوانان و دانشجویان است. این خواست قلبی میلیون ها جوانی است که در ایران امروز تنها در سایه اختناق امکان بیان آن را ندارند.

امروز در دانشگاه های ایران، هراعتراض متحد و متشکل برای کوچکترین خواست رفاهی، از وضع سلف سرویس تا اعتراض به جدایی جنسی، از اعتراض به خصوصی شدن تا فساد کادر آموزشی، و تا اعتراض به امنیتی شدن دانشگاه ها، مستقیماً صدای دانشجوی معترض را به صدای چپ و کمونیسم و طبقه کارگر پیوند میدهد. به نیرو و جنبشی که آمل و آرزوهای جوانان و اکثریت مردم را همین امروز بدون هیچ سازش و مسالحه ای مطرح میکند، و میتواند امیدهای بزرگ را متحقق کند.

۳- سرنوشت کاتالونیا

پارلمان کاتالونیا سه روز پیش و بدنبال رای اکثریت شهروندان این ایالت به جدایی از اسپانیا، اعلام استقلال کرد و کمتر از یک ساعت بعد، مجلس سنای اسپانیا به درخواست ماریانو

راخوی، نخست وزیر اسپانیا این حق را تعلیق کرد و به اعمال حاکمیت مستقیم دولت اسپانیا بر کاتالونیا رای داد. ایشان اعلام کرد که "حاکمیت قانون" به این منطقه باز خواهد گشت!! بسیاری از مقامات اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و آمریکا نیز اعلام استقلال کاتالونیا را رد کرده و آن را به رسمیت نشناخته و در این مناقشات از دولت اسپانیا حمایت کرده اند.

اگر کاتالونیا محصول لشکرکشی نظامی ناتو به اسپانیا (مانند نمونه یوگوسلاوی سابق) و تجزیه آن به چند کشور "مستقل" مثل کروات و صرب و مقدونی میبود، اگر کاتالونیا محصول جنگ بالکان و دوران تدارک تجزیه آخرین بقایای دولتهای "توتالیتار" ملهم از شوروی سابق میبود، اگر کاتالونیا محصول پاکسازی های قومی - مذهبی و تشکیل "ارتش های آزادیبخش" میبود، اگر کاتالونیا محصول بمباران ناتو در تکمیل "پیروزی" دموکراسی میبود، اگر کاتالونیا محصول "ملل آزاد شده" از قید "کمونیسم و دیکتاتوری شرقی" و محصول قتل عام های قومی و مذاهب "آزاد شده" میبود، ... ←

نه قومی، نه مذهبی!

زنده باد همویت انسانی!

نشریه هکمتیک

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.



بمناسبت صدمین سالگرد انقلاب اکتبر!

جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ در لندن

سخنران: امان کفا

زمان و مکان سخنرانی: شنبه ۴ نوامبر، راس ساعت ۶ غروب

Girdlestone Estate Community Centre
151 Salisbury Walk, London N19 5DX

تلفن تماس: بختیار پیرخضری ۰۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد لندن

رویدادهای سیاسی ...	بورژوازی غرب و دولت	بورژوازی اند؛ در این شکی نیست که رسیدن به حق استقلال و جدایی بیانگر برابری و آزادی نیست؛ اما تعلیق و سلب این حق، شکاف قومی را عمیقتر از قبل خواهد کرد. مخالفت دول غربی و در راس همه دولت اسپانیا با اراده مردمی که به جدایی رای داده اند سرآغاز ناآرامی ها، کشمکش ها و نفرت های قومی در اسپانیا خواهد شد. شهروند و کارگر اسپانیایی را بیش از همیشه به جان کارگر و شهروند کاتالونیایی خواهد انداخت؛ انترناسیونالیسم طبقه کارگر را به حاشیه خواهد راند و منجلا ب ناسیونالیسم را متعفن تر خواهد ساخت.
اگر کاتالونیا محصول سرکردگی سیاسی و اقتصادی آمریکا و دوران "ابرقدرت" و ژاندارم "یک بلوکه" میبود، اگر مطمئن می شدند که استقلال کاتالونیا نهایتا چیزی شبیهه "کوسو" و سرمایه داران و اسقف ها و کاردینال های "ملل" آزاد شده مقدونی و "مونتینگرو"، میشود و با پرچم و خاج و صلیب و جامه های قومی و سنن و عرف تاریخی، گسست از دوران "دیکتاتوری کمونیستی" را به جهانیان بشارت می دهد، و به دامن غرب باز می گردد و نهایتا اگر کاتالونیا محصول انقلابات مخملی و نارنجی میبود، محال بود چنین با مخالفت و بی میلی "دمکراسی" غرب بدرقه شود و "مستقل" نشود. مشکل "دمکراسی" و	اسپانیا با کاتالونیا تنها بر یک محور میگرده: دشمنی با ابراز وجود قدرتمند جامعه ای که از پایین میخواهد به شیوه دیگری و در قالب کشور دیگری سازمان یابد. کور کردن افق اعمال اراده جامعه از پایین، هدف مستقیم بورژوازی ملی و بین المللی است. دمکراسی بورژوایی، لوله تفنگش را دقیقا روی شقیقه همین اعمال اراده مردم از پایین گرفته است. معلوم شد که حتی در قلب جهان متمدن، نه دمکراسی در کار است، نه حقوق بشر، و نه آزادی ابراز وجود سیاسی و انتخابی در کار است. اینها زوآندی بر پیکره دمکراسی	

زنده باد انقلاب کارگری!